

خبر

هشدار درباره مجوز نحوه فعالیت بانک‌های خارجی در ایران

● **مهر:** عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام تاکید کرد: اینکه شنیده می‌شود بانک‌های خارجی می‌توانند در داخل کشور فعالیت کنند و تا صدرصد هم سهم داشته باشند، رویکرد خطرناکی است.
محمّدجواد ایروانی اظهار کرد: در دوره پس‌اتحریم باید هوشمندی و هدفمندی سیاست‌های اقتصادی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی و همچنین جذب سرمایه‌گذاران خارجی افزایش یابد و این را هم بدانیم که دشمنان از هر فرصتی برای وابسته‌ترکردن اقتصاد ایران استفاده می‌کنند.

ادامه از صفحه اول

از رکود تورمی تا رونق ضدتورمی

چراکه در حالی تورم ۱۳٫۸ درصد با محاسبه متوسط تغییر شاخص قیمت ۳۰ گروه کالایی محاسبه شده است که آمارها حاکی از آن است که نرخ تورم در تعدادی از کالاهای ضروری، که مردم بیشتر با آنها سروکار دارند، بیش از این رقم بوده است. با توجه به آمار اخیر بانک مرکزی امسال نسبت به ماه مشابه سال گذشته شاخص خوراک‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات و همین‌طور شاخص کالاهای غیرخوراکی و خدمات کاهش یافته است.دولت یازدهم اقتصادی با تورم ۳۴٫۷ را تحویل گرفت که انتظارات تورمی و انتظارات از تورم واقعی ملموس توسط جامعه در حدود ۴۵ درصد هم بود و حال به نقطه‌ای رسیده‌ایم که تورم دارد به ۱۰ درصد نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود. این در حالی است که رشد اقتصادی داریم و این موضوع با منحنی فیلیپس همخوان نیست. تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت پایه و به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۳ در سال ۱۳۹۳ به ۲۰۳۱۵۹۶ میلیارد ریال رسید که نسبت به رقم مشابه سال ۱۳۹۲ به میزان ۳۰ درصد رشد نشان می‌دهد. با واکاوی اجزای رشد اقتصادی ۳ درصدی می‌بینیم که بیشترین سهم از رشد اقتصادی مذکور، به بخش کارمزد احتسابی و خدمات مؤسسات پولی و بانکی اختصاص دارد. بر این اساس رشد مثبتی بر افزایش خدمات، رشدی است که از دل رونق اقتصادی به دست نیامده و رشدی ناکارآمد و غیرتوسعه‌ای است. اگر چه تعاملات مثبت سیاسی و بازشدن درهای اقتصاد ایران به تجارت جهانی و زمزمه‌های بازگشت سرمایه‌گذاران خارجی به کشور، که از نتایج این تعاملات مثبت سیاسی است، شوک مثبتی را به اقتصاد وارد خواهد کرد، اما تأمین مالی بخش صنعت و حذف رانت و سوبسید از صنایع ناکارآمد موضوعی است که موجب تضعیف و بهره‌وری پایین صنعت شده است.توجه بخشی به اقتصاد و ورود از حوزه‌های اقتصاد کلان به اقتصاد خرد موضوعی است که دولت‌ها کمتر به آن توجه کرده و درگیر مسائل کلان اقتصاد و اقتصاد سیاسی شده و از توجه به آن باز می‌مانند. بالابودن رشد بخش خدمات در واقع دست‌وپازدن در معضلات بیماری هلندی است به این معنی که بخش غیرمبادلاتی کشور رونق پیدا کرده است و بزرگ می‌شود.در نهایت می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که پاسخ به معمای رشد اقتصادی بدون تورم و بدون کاهش بی‌کاری در این است که رونق توأم با افزایش بی‌کاری و کاهش تورم روی دیگر سکه رکود تورمی است. وقتی رکود اقتصادی با افزایش تورم روبه‌رو است. معکوس‌شدن سیکل رکود و لغزیدن آن در دامنه رونق حرکت معکوس تورم را نیز به دنبال خواهد داشت. اما در کنار این معضلات دغدغه اصلی و نقطه بحرانی موضوع، ناکارآمدبودن رشد اقتصادی مذکور و مبتنی‌بودن آن بر خدمات است. تا زمانی‌که بخش صنعت و کشاورزی این رشد را در خود منعکس نکنند، رشد به مفهوم رونق نزدیک نمی‌شود.

ادامه از صفحه ۴

این دولت براساس نقد عملکرد دولتی‌که هزار میلیارد دلار داشت و رشدهای منفی و فلاکت دو برابر شده و انواع مشکلات اجتماعی و محیط‌زیست را رقم زد، بر سر کار آمد، ولی حالا که روی این صندلی نشستند دوباره روی همان کلیشه‌ها تاکید می‌کنند. حداقل در ادبیات توسعه نزدیک به ۴۵ سال از انتشار اولین آثاری می‌گذرد که در آنها اصل اینکه اندیشه توسعه در دوران پس از جنگ جهانی دوم بر محور کمبود منابع سامان یافته، گذشته و نقدهای جامع و غیرقابل تردیدی فراهم و این بلوغ فکری حاصل شده که مسئله توسعه‌نیافتگی کمترین مشکلش کمبود منابع است و کانون اصلی گرفتاری و نقص و منشأ کژکارکردی‌ها و ازدست‌دادن فرصت‌ها، ساختار نهادی و به‌ویژه سازه‌های ذهنی کژکارکرد است.

■ **این ذهنیت کژکارکرد، ریشه در چه مسئله‌ای دارد؟**

متأسفانه ما همچنان در این سطح با نقش آفرینی دلارهای نفتی در ذهن مسئولان کشور مواجه هستیم. می‌بینیم که همراه با این سازه‌های ذهنی فاقد وجهات علمی اصرارهای غیرمتعارفی وجود دارد تا ساختارهای نهادی ما نیز دست‌نخورده باقی بماند. این ساختار نهادی از زاویه نقش نحوه قاعده‌گذاری در سرنوشت کنونی کشور بازنگری نمی‌شود؛ در شرایطی که همگان کم‌وبیش به این نتیجه رسیده‌اند که در اثر الگوی رانتی و فسادپرور امروز در کشورمان، همچنان موتور خلق ارزش افزوده، تجارت پول است، این منحط‌ترین شکل‌صوریگر از یک ساختار نهادی برای یک جامعه توسعه‌خواه محسوب می‌شود. وقتی ساخت رانتی غلبه پیدا می‌کند، مولدها به تمامی مه‌جور غیرمولدها می‌شوند، اما بدترین شرایط در چنین اوضاعی این است که ربا و تجارت پول، موتور خلق ارزش افزوده شود. این واقعیت وجود دارد، اما در کشور، حتی به قدر طرح مسئله نیز جایگاهی ندارد و کانون توجه همچنان دلار نفتی است.

■ **شما به تجارت پول اشاره کردید. چرا با اینکه هواره بر این مسئله تاکید می‌شود، هیچ واکنشی برای مقابله با آن میان مسئولان دیده نمی‌شود؟**

درست است که بانک مرکزی آمار مربوط به نرخ نزول خوری را منتشر نمی‌کند، اما مقامات رسمی بانک مرکزی بارها متذکر شده‌اند اطلاعات آن تولید شده و در اختیار آنهاست. در شرایطی که پول این‌قدر باده‌ی دارد، آیا دیگر کوچک‌ترین انگیزه‌ای برای اینکه به سمت بهترشدن نینه تولید ملی برویم، وجود دارد؟ آیا نباید مسئول برنامه‌ریزی کشور به فکر فرورود که در اثر چه حکمت‌ها و منافع، سکوت درباره این مسئله حیاتی ترجیح داده می‌شود؟ اگر دولت از بانک‌ها بخواهد برای مسائل ضروری کشور منابعی را تخصیص دهند، ببینید چه واوبلایی رخ می‌دهد و این در سه سطح متمایز و البته مرتبط می‌شود: هم در دولت، هم طیف وسیع غیرمولدها و بالاخره ننوکلاسیک‌های وطنی که فریاد می‌زنند واولیا که استقلال بانک مرکزی مخدوش شد؛ اما وقتی مقامات به صراحت اعتراف می‌کنند که هفت‌هزار مؤسسه مالی غیرمجاز فعال هستند، اصلا تا حالا ندیده‌ایم که یکی از اینن مقامات بگویند از این ناحیه نیز در استقلال بانک مرکزی خدشه ایجاد شده است!

شبیه به این وضعیت در قاعده‌گذاری‌های مربوط به تجارت خارجی، مالیات، بیمه‌های اجتماعی، نرخ ارز، نرخ بهره و... هم مشاهده می‌شود که به صورت ناآوار تیشه به ریشه نینه تولید ملی می‌زنند. به‌این‌ترتیب، رانت خوارها و رباخوارها و واسطه‌ها را تقویت می‌کنند، اما در سطح کل مدیریت اقتصادی و برنامه‌ریزی کشور کوچک‌ترین اعتنایی به این واقعیت‌ها نمی‌شود و گویی باز هم قرار است که به‌نام برنامه‌ریزی توسعه به اصلاح این مناسبات و سیاست‌ها، کوچک‌ترین توجهی نشود و بلکه کمک کنند که حتما استمرار یابد! دراین‌صورت، بهتر است به‌جای عنوان برنامه‌ریزی توسعه از عنوان باسمایی

اقتصاد

فرشاد مومنی در گفت‌وگو با «شرق» از ویژگی اقتصاد رانتی می‌گوید

تجارت پول، موتور خلق ارزش افزوده

استفاده کنند، مثل برنامه استمرار عقب‌ماندگی و بازتولید فقر و فلاکت، باید به عزیزان گوشزد شود که اساس توسعه، تغییر ساختار نهادی مشوق رانت و ربا و فساد و جایگزینی آن با ساختار نهادی علم‌محور و تولیدمحور است. درحال‌ها، باز هم باید تکرار کرد برای حرکت به سمت توسعه، به موازات اصلاح سازه‌های ذهنی، به یک بازاریابی نظام‌وار در ساختار نهادی نیاز داریم که ریل اقتصاد ایران را تصحیح کند. به‌طوری‌که استعداد‌های انسانی و مادی کشور در مسیر تولید قرار گیرند و نه در فعالیت‌های غیرمولد به‌طور کلی و در بازواری به شکل خاص.

■ **این نوع نگرش تا چه اندازه بر نابرابری‌های اقتصادی تأثیر گذاشته است؟**

علاوه بر دلارمحوری به‌مثابه موتور رشد که سازه‌های ذهنی به‌شدت وابسته به مسیر طی‌شده است و یقیناً ربطی به اندیشه توسعه ندارد، از زاویه نظام پاداش دهی هم که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم از این زاویه نیز ساختار انگیزشی مناسب درون پیکره دولت در حدنصاب وجود ندارد و تمایلی هم برای اصلاح کاستی‌های مربوط به ناعادلانه‌بودن نظام پاداش‌دهی که رکن دیگر حرکت به سمت توسعه است، مشاهده نمی‌شود. مثلاً در سال‌های اولیه بعد از انقلاب، آیت‌الله شهید دکتر بهشتی می‌فرمودند از منظر عدالت اسلامی و در شرایط آرمانی، نابرابری‌های درآمدی باید به حدی برسد و تحت آن شرایط شفاف برخورداری‌های

درآمدی حداکثر با نسبت یک به سه قابل پذیرش است. بعداً که قوانین عادی وضع شد شکاف درآمدی را در حد یک به هفت پذیرفتند، ولی در وضع موجود می‌بینید بسیاری از مدیران سطوح میانی به بالا، برخورداری‌های بین ۲۵ تا ۴۵ برابر نسبت به کسانی که حداقل دستمزد یا مستمری دریافت می‌کنند، دارند و هیچ بحثی هم از این سطح فاجعه‌آمیز نابرابری در پرداخت دستمزد و مستمری و ضرورت تغییر این مطرح نیست. کویی اساساً درکی از رابطه میان شدت نابرابری و گستره و عمق توسعه‌نیافتگی وجود ندارد. طنز تلخی وجود دارد اینکه افزایش‌های غیرعادی در پرداخت به مدیران میانی به بالا را با این توجه انجام داده‌اند که آنها را در برابر فساد مالی واکسینه کنند و دقیقاً در دوره‌هایی که این جهش‌ها اتفاق افتاده، گستره و عمق فساد مالی به‌طرز بی‌سابقه‌ای گسترش پیدا کرده، اما گویی انگیزه‌ای برای یادگیری از این تجربه‌های تلخ هم نیست. برخی مقامات اخیراً اعلام کرده‌اند حجم موجود انبار بنگاه‌های تولیدی کشور درسال ۱۳۹۲ به بی‌سابقه‌ترین سطح در پنج‌ساله اخیر رسیده. این شاخصی است که از منظر آشکارسازی گستره و عمق فقر درآمدی و ابعاد فروپاشی طبقه متوسط درآمدی، تکان‌دهنده است، یعنی در شرایطی که کشور با مسئله حاد در بخش‌های تولیدی کشور روبه‌روست، همین میزان تولیدی هم که صورت می‌گیرد به طرز غیرقابل باوری مشتری پیدا نمی‌کند و این یعنی فروپاشی بی‌سابقه طبقه متوسط و فقر گسترده که یکی از ریشه‌های آن نابرابری درآمدی غیرقابل تحمل در کشور است.

■ **اصلاح بخشی از این رویه‌های نادرست نمی‌تواند اقتصاد را از مسیر ضدتوسعه‌ای برگرداند؟**

از منظر نهادی، وقتی از کارکرد افتادگی سیستمی وجود دارد با دستکاری یک یا دو متغیر، گره‌ای باز نمی‌شود، بلکه فقط فرصت‌های جدیدی برای رانت و فساد ایجاد می‌شود. از کارکردافتادگی ساختار اقتصادی را می‌توانید در نحوه مواجهه مقامات پولی کشور با نرخ بهره مشاهده کنید. ننوکلاسیک‌های وطنی در راستای ادای وظیفه نسبت به منافع غیرمولدها در اوج نااطمینانی‌های سال‌های ۹۰ و ۹۱ با سروصدای بسیار،

توسعه می‌تواند در میان‌مدت، عدم موفقیت‌های فراتر از چیزی که در نظام بودجه‌ریزی کشور بود را داشته باشد. باید امیدوار بود در هر حال از این فرصتی که فراهم شده تا برنامه توسعه اصلی که بیش از شش ماه برای تقدیم آن فرصت وجود دارد، بستری فراهم شود که با انگیزش کافی و فراتر رفتن از دلبستگی موجود به ظاهر‌سازی و غفلت از بنیان‌های اندیشه‌ای و سازمانی یک برنامه‌ریزی موفق توسعه کمک کنیم که در دوره زمانی باقی‌مانده دولت ترغیب شود با شعار محدود و انگیزش حداکثری اتحاد جامعه، برای پیشبرد خواسته محدود از فرصتی که تلاش‌های ارزشمند دولت کنونی ، با هدف تنش‌زدایی فراهم کرده، برای بهبود اوضاع در برنامه ششم به نحو بایسته استفاده شود.

■ **توصیه شما به تیم برنامه‌ریز کشور چیست؟**

نزدیک به ۴۰ سال پیش سازمان ملل متحد با انتشار گزارشی راجع به برنامه‌ریزی توسعه، فلسفه وجودی و «اهدایت و کنترل تغییرات آگاهانه و عقلایی متغیرهای نظام اجتماعی برای دستیابی به اهداف هر نظام» اعلام کرده بود. در این رویکرد اصلی ضرورت و اجتناب‌ناپذیری «تغییر» برای توسعه محرز و مسلم تلقی شده و «برنامه» مورد نیاز برای تحقق آن تغییرات نیز باید به‌صورت توأمان در برگزیده اهداف جامعه (نظام به کجا می‌رود؟) همراه با روش‌ها و ابزارهای عقلانی آن جامعه (نظام چگونه و از چه مسیری به سوی اهداف می‌رود؟) باشد. به عبارت دیگر کیفیت برنامه توسعه تجلی هه‌زمان سطح و کیفیت دو عنصر هدفمندی و عقلانیت در هر نظام اجتماعی است و حتماً باید با «مشارکت» محوری به معنای دقیق کلمه تهیه شود. براساس آنچه در این جلسه مطرح شد چند نکته محرز و مسلم وجود دارد: تلاش برای بزرگ ظاهری رویکردها و روش‌هایی که در رنج‌های گذشته به نام برنامه‌ریزی توسعه داشته‌ایم فایده‌ای و دستاوردی ندارد. محور قراردادن «دلار» برای تحقق «رشد» و غفلت از اصلاح ساختار نهادی راه نجات ما نیست و عملاً همان مناسبات مبتنی بر رانت و ربا و فساد را بازتولید خواهد کرد. راه اصولی عبارت از طراحی برنامه‌های برای ایجاد تغییرات نظام‌وار در ساختار نهادی به سمت تشویق تولیدمحوری است. دوم آنکه تشکیل «ستاده» و «شورا» برای برنامه به همان سبک و سیاق و ترکیب گذشته، این واقعیت را که سازمان برنامه‌ریزی موجود گفایت نظری و تجربی و اجرایی بایسته برای حل‌وفصل بحران‌ها و چالش‌های موجود را ندارد به صورت آشکار برملا کرده است. به گواه اسناد تاکنون انتشاریافته‌ها هم مبنا بر یک نگرش کلیشه‌ای و مکانیکی رشدمحور و بی‌اعتنا به مسئله حیاتی «کیفیت» رشد است و همچنان به نام برنامه توسعه می‌خواهند از مدل‌های کلان‌سنجی استفاده کنند تا ادای حسابداران‌های از کمیت چند متغیر را در یک پایسته‌های شرایط کنونی را ندارد.

■ **این معضل و نگاه تنها در میان مدیران سازمان توسعه یافت می‌شود؟**

به اعتبار مجموعه مصاحبه‌هایی که مسئولان و مدیران دستگاه‌ها درباره برنامه ششم تاکنون انجام داده‌اند نیز می‌توان دید که سازمان برنامه‌ریزی کشور دغدغه اصلی‌اش مانند گذشته این است که با دامن زدن به همان رویه‌هایی که در گذشته شاهد بوده‌ایم کار را ادامه دهند. برای مثال کل راه‌حل جدیدی که در نظر گرفته‌اند، این است که اسناد و احکام سابقه‌دار و تکراری و عمل‌نشده در پنج برنامه را به‌عنوان دست‌گرمی تا پایان شهریور تهیه کنند و به مجلس بدهند. یکی از مدیران یکی از وزارتخانه‌ها اخیراً در مصاحبه‌ای گفته که باید از این طریق زمان بخردن تا لایحه دیگری برای اسفند آماده کنند و در ظاهر قرار است که آن لایحه اصلی به اصطلاح برنامه توسعه باشد. چیزی که در گزارش اخیراً انتشار یافته با عنوان نظام برنامه‌ریزی تأیید شده است. واقعاً ده‌ها مسئله درباره این دو رویکرد وجود دارد، ولی ماچرا این است که ما کار اولی را هم یک‌بار در بودجه‌ریزی امتحان کرده‌ایم و نتایج آن را هم دیده‌ایم. برآورد این است که تکرار آن کار در برنامه‌ریزی

گذر

واکنش وکیل بابک زنجانی به صحبت‌های زنگنه

● **ایسنا:** وکیل‌مدافع بابک زنجانی به صحبت‌های روز سه‌شنبه وزیر نفت درباره موکلش واکنش نشان داد.
رسول کوهپایه‌زاده اظهار کرد: با توجه به اینکه در نشست مطبوعاتی دیروز وزیر محترم نفت جناب آقای مهندس زنگنه، مطالبی درباره پرونده قضائی موکلم بیان شد، حسب وظیفه قانونی دفاع از حقوق موکلم، آقای بابک زنجانی، لازم می‌دانم مطالبی را عرض کنم.وکیل‌مدافع بابک زنجانی گفت: ضمن ادای احترام به شخصیت، جایگاه و خدمات جناب آقای وزیر، بیادآوری می‌کنم موکل من اکنون صرفاً در مظان اتهام قرار دارد و همه بزرگواران به خوبی می‌دانند تا‌زمانی‌که به اتهام اشخاص در دادگاه صالح با رعایت اصول دادرسی عادلانه و حق دفاع متهم، رسیدگی و حکم قطعی مبنی بر محکومیت او صادر نشده است به لحاظ قانونی، شرعی و اخلاقی پذیرفته نیست دراین‌باره اظهارنظر شود و با آبرو و حیثیت افراد بازی شود. وی ادامه داد: به‌ویژه آنکه شایسته نیست شاکي به عنوان یک طرف دعوا در جایگاه مقدس قضا قرار گیرد و این‌گونه قاطعانه با این مضمون رای صادر کند که «هیچ فردی به اندازه بابک زنجانی رکوددار فساد در دنیا نیست» یا «بابک زنجانی قصد پس‌دادن پول‌های نفتی را ندارد».کوهپایه‌زاده مدعی شد: اینکه گفته شده است موکل من از اول قصد پس‌دادن پول‌های نفتی را نداشته، صحیح نیست؛ چراکه ایشان از همان ابتدا و قبل از اینکه هرگونه رای‌یی علیه‌اش صادر و محکوم نشود، داوطلبانه و با حسن‌نیت با تفویض وکالت به وزارت نفت همه اموال خود را برای پرداخت بدهی در اختیار شرکت نفت گذاشت.وی با بیان اینکه «فعلاً مسلم است آقای بابک زنجانی در زمره بدهکاران به وزارت نفت است، نه مجرم»، گفت: اینکه خارج از دستگاه قضائی، شاکي تشکیل دادگاه بدهد، رای صادر کند و پرونده موکل را از بُعد فساد در دنیا بی‌نظیر اعلام کند، فاقد وجهات قانونی، منطقی و شرعی است.

برای نخستین بار، گندم وارد نمی‌کنیم

● **خبرگزاری صداوسیما:** معاون وزیر جهاد کشاورزی گفت: امسال برای نخستین‌بار گندم وارد نمی‌کنیم و هیچ نیازی به واردات نداریم.
معاون وزیر و رئیس شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران با اشاره به اینکه تا امروز هفت‌میلیون و ۸۰۰ هزار تن گندم تضمینی از کشاورزان خریداری شده است، افزود: براساس برآوردهای انجام‌شده میزان خرید تضمینی گندم تا پایان فصل، یعنی تا اواسط مهر امسال از هشت میلیون تن عبور خواهد کرد. وی گفت: با این میزان خرید نیاز بخش خبازی کشور به گندم تأمین خواهد شد و علاوه‌براین ذخیره خوبی از سال گذشته برای تأمین نیاز شش‌ماهه کشور در اختیار داریم.

تورم مردادماه اعلام شد

● **شرق:** نتایج بررسی‌های بانک مرکزی نشان می‌دهد نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به مردادماه ۱۳۹۴، نسبت به دوازده ماه منتهی به مردادماه ۱۳۹۳، معادل ۱۵۰۴ درصد است. طبق بررسی‌های بانک مرکزی خلاصه نتایج به‌دست‌آمده از شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران براساس سال پایه ۱۳۹۰=۱، به شرح ذیل است: شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در مردادماه ۱۳۹۴ به عدد ۲۲۲۰۴ رسید که نسبت به ماه قبل۰۱ درصد کاهش یافت. شاخص مذکور در مردادماه ۱۳۹۴ نسبت به ماه مشابه سال قبل معادل ۱۲۰۶ درصد افزایش داشته است. نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به مردادماه ۱۳۹۴ نسبت به دوازده ماه منتهی به مردادماه ۱۳۹۳، معادل ۱۵۰۴ درصد است.

نخستین روزنامه خودرویی جهان

عشایک خودرو

AUTOWORLD.IR

از هفتم شهریور در روزنامه فروشی های سراسر ایران